

## Original Article

# Minority Rights and Lawsuits Filed by Shareholders of Companies in Public Joint Stock Companies Based on the Corporate Governance System in Iranian and French Law with Emphasis on the Principles of Ethics

Hossein Papi<sup>1</sup>, Javad Niknejad<sup>2\*</sup>

1. Ph.D. Student in Private Law, Ayatollah Amoli Branch, Islamic Azad University, Amol, Iran.

2. Assistant Professor, Department of Private Law, Ghaemshahr Branch, Islamic Azad University, Ghaemshahr, Iran.  
(Corresponding Author) Email: j.niknejad@yahoo.com

Received: 18 Jun 2021    Accepted: 11 Oct 2021

### Abstract

**Background and Aim:** In the management of joint stock companies based on the majority vote, the rights of the minority are less considered and in some cases, the managers of the company abuse their position. In this regard, it is necessary to provide solutions to support minority shareholders. The solutions for filing a lawsuit against the shareholders are in two general ways, including on the name and on behalf of the joint stock company and the other by the name and on behalf of the shareholder. Identifying several shortcomings in the binding legal regulations related to minority rights in Iranian law, especially in the areas of "financial disclosure and transparency", "voting system" and "derivative litigation" is among the objectives of the present study.

**Materials and Methods:** This research is of theoretical type and the research method is descriptive-analytical. The method of data collection is library and has been done by referring to documents, books and articles.

**Ethical Considerations:** None to be declared.

**Findings:** Filing a lawsuit against the shareholder in the name and on behalf of the company, which is the derivative lawsuit, is in order to properly manage the company and protect the joint stock company against violations that managers have committed in performing their duties to the company. Article 276 of the bill amended a part of the Commercial Code of 1347, which refers to the possibility of filing a derivative lawsuit, makes it possible to file a derivative lawsuit only against the persons mentioned in Article 276. As a second solution, the shareholder can file a lawsuit against any private or legal person, both from a legal and criminal point of view, unlike a derivative lawsuit, which can only be filed from a legal point of view.

**Conclusion:** In the laws of France and Iran, by relying on the ethical norms of business, shareholders can file a lawsuit on behalf of the company through a derivative lawsuit. Although it is possible to identify minimum rights for minority shareholders in joint-stock companies from checking some internal regulations, the silence of common laws, the lack of legal binding of some formalities and the lack of dynamics of judicial procedure in this regard have caused minority rights to be less noticed and sometimes be overshadowed by the misbehavior of managers and majority shareholders.

**Keywords:** Minority Rights; Stock Company; Company Shareholders; Iranian Law; French Law

**Please cite this article as:** Papi H, Niknejad J. Minority Rights and Lawsuits Filed by Shareholders of Companies in Public Joint Stock Companies Based on the Corporate Governance System in Iranian and French Law with Emphasis on the Principles of Ethics. *Bioethics Journal*, Special Issue on Ethical & Legal Reflections 2021; 331-345.

## حقوق اقلیت و اقامه دعوی از سوی سهامداران شرکت در شرکت‌های سهامی عام بر مبنای نظام اداره شرکت‌ها در حقوق ایران و فرانسه با تأکید بر اصول اخلاق

حسین پاپی<sup>۱</sup>، جواد نیک‌نژاد<sup>۲\*</sup>

۱. دانشجوی دوره دکتری حقوق خصوصی، واحد آیتا... آملی، دانشگاه آزاد اسلامی، آمل، ایران.

۲. استادیار گروه حقوق خصوصی، واحد قائمشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، قائمشهر، ایران. (نویسنده مسؤول) Email: j.niknejad@yahoo.com

دریافت: ۱۴۰۰/۳/۱۸ پذیرش: ۱۴۰۰/۷/۱۹

### چکیده

**زمینه و هدف:** در خصوص مدیریت شرکت‌های سهامی بر مبنای نظر اکثریت، حقوق اقلیت، کمتر مورد توجه بوده است و در برخی موارد، مدیران شرکت از موقعیت خود سوءاستفاده می‌نمایند. در این راستا، لازم است راهکارهایی در جهت حمایت از سهامداران اقلیت پیش‌بینی شود. راهکارهای اقامه دعوی سهامداران به دو طریق کلی، به ترتیب به نام و از طرف شرکت سهامی و دیگری به نام و از طرف خود سهامدار می‌باشد. شناسایی نقایص متعدد در مقررات قانونی الزام‌آور در رابطه با حقوق اقلیت در حقوق ایران، به ویژه در زمینه‌های «افشا و شفافیت مالی»، «سیستم رأی‌گیری» و «دعوی مشتق» از جمله اهداف پژوهش حاضر است.

**مواد و روش‌ها:** این تحقیق از نوع نظری است؛ روش تحقیق به صورت توصیفی - تحلیلی می‌باشد و جمع‌آوری اطلاعات به شیوه کتابخانه‌ای و ضمن مراجعه به اسناد، کتب و مقالات، انجام گرفته است.

**ملاحظات اخلاقی:** اعلام نشده است.

**یافته‌ها:** اقامه دعوی سهامدار به نام و از طرف شرکت که همان دعوی مشتق است، در جهت اداره مناسب شرکت و حمایت از شرکت سهامی در برابر تخلفاتی است که مدیران در انجام وظایف خویش در برابر شرکت تعهد نموده‌اند. ماده ۲۷۶ لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت ۱۳۴۷ که به امکان اقامه دعوی مشتق اشاره دارد، طرح دعوی مشتق را صرفاً علیه اشخاص مذکور در ماده ۲۷۶ قانون مزبور ممکن می‌داند؛ همچنین به عنوان راهکار دوم سهامدار می‌تواند علیه هر شخص حقیقی یا حقوقی و از هر دو جنبه حقوقی و کیفری اقامه دعوی نماید، برخلاف دعوی مشتق که فقط از جنبه حقوقی می‌تواند اقامه گردد.

**نتیجه‌گیری:** در حقوق فرانسه و ایران، با اتکاء به هنجارهای اخلاقی تجارت، سهامداران می‌توانند به وسیله نهاد دعوی مشتق به نام و از طرف شرکت در جهت منافع شرکت اقدام به طرح دعوی نمایند. با وجود آنکه از تدقیق در برخی مقررات داخلی می‌توان حقوق حداقلی را برای اقلیت سهامداران در شرکت‌های سهامی شناسایی کرد، اما سکوت قوانین رایج، عدم الزام‌آوری قانونی برخی تشریفات و عدم پویایی رویه قضایی در این خصوص سبب شده است که حقوق اقلیت، کمتر مورد توجه قرار گیرد و گاه تحت‌الشعاع سوءرفتارهای مدیران و سهامداران اکثریت باشد.

**واژگان کلیدی:** حقوق اقلیت؛ شرکت سهامی، سهامداران شرکت، حقوق ایران، حقوق فرانسه

## ۱. مقدمه

دارایی شرکت‌های سهامی عام، ترکیبی از آورده‌های خرد سهامداران بسیاری است که با هدف دریافت سود و کسب سرمایه، مبادرت به خرید سهام این شرکت‌ها نموده‌اند. ظاهر امر آن است که همه سهامداران یک شرکت سهامی عام دارای حقوق و مزایای واحدی هستند، اما ضعف جایگاه سهامداران اقلیت در اداره شرکت گاه سبب سوءاستفاده مدیران شرکت شده و حقوق آن‌ها را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد (۱). رسوایی‌های مالی و حسابرسی شرکت‌های بزرگ فرانسه، نظیر «Etron & World Com» در سال‌های ابتدایی قرن بیست و یکم، سطح اعتماد سرمایه‌گذاران را در بازار اوراق بهادار این کشور تغییر داد. این ضعف در هدایت شرکت‌ها، حقوق سهامداران، به ویژه «سهامداران اقلیت» را به طور جدی تحت تأثیر قرار داده و سبب تغییر ساختار مدل فرانسوی «نظام اداره شرکت‌ها» گردید. بر این اساس، قانونگذار فرانسه، در اصلاحات بعدی «نظام اداره شرکت‌ها»، راهکارهای قابل توجهی را در قالب حقوق چهارگانه «اطلاعاتی»، «مدیریتی»، «کنترلی» و «دادرسی» برای سهامداران «اقلیت» پیش‌بینی کرد که مواردی نظیر شفافیت کامل اطلاعات مالی به صورت دوره‌ای و امکان ارائه پیشنهاد برای مجمع عمومی توسط هر یک از سهامداران، امکان اقامه دعوا از سوی هر یک از سهامداران علیه مدیران متخلف به نام شرکت در قالب دعوای مشتق، از جمله آن‌ها است. گستره و عمق این حمایت، به گونه‌ای است که می‌توان ادعا کرد پیشینه «تأکید بر حمایت از سهامداران اقلیت در نظام اداره شرکت‌ها» در میان نظام‌های ملی در ابتدا از حقوق فرانسه آغاز شده است.

در حقوق ایران، طی سال‌های اخیر با ابلاغ سیاست‌های کلی اصل (۴۴) قانون اساسی و تأکید برنامه‌های چهارم و پنجم توسعه بر خصوصی‌سازی، مسیر گسترده‌ای برای ورود سرمایه‌گذاران به عرصه فعالیت شرکت‌های سهامی عام باز شده است؛ اما با آنکه در قوانین و مقررات رایج تجاری و دستورالعمل‌ها و آیین‌نامه‌های مرتبط با «نظام اداره شرکت‌ها» در ایران، راهکارهای پراکنده‌ای در راستای حمایت از حقوق اقلیت دیده می‌شود، این تشریفات، هم ناکافی و هم ناقص

است و از حقوق این سرمایه‌گذاران خرد، به درستی محافظت نمی‌کند؛ مواردی مانند گزارش‌دهی سالانه مدیران به مجمع عمومی و کسب اطلاع سهامداران از موضوعات مجمع پیش از برگزاری، راهکارهایی ناکافی است و مواردی نظیر امکان اقامه دعوی نصاب حداقل یک‌پنجم سهامداران از طرف شرکت علیه مدیران متخلف که از آن به دعوای مشتق تعبیر شده است نیز به دلیل لزوم رعایت نصاب سنگین دست کم یک‌پنجم نمی‌تواند حقوق سهامداران اقلیت را به درستی تأمین کند و تکلیفی مضاعف را بر آن‌ها بار می‌کند.

در ارتباط با پیشینه تحقیق پیرامون موضوع اقامه دعوی از سوی سهامداران شرکت در شرکت‌های سهامی با رویکرد تأمین حقوق اقلیت، می‌توانیم به مقاله «حقوق اقلیت در شرکت‌های سهامی عام بر مبنای نظام اداره شرکت‌ها (Corporate Governance)»، مطالعه تطبیقی در حقوق ایران و آمریکا» نوشته تقی‌پور و همکاران که در سال ۱۳۹۷ به چاپ رسیده است، اشاره کنیم. از نظر نویسندگان، در مدیریت شرکت‌های سهامی بر مبنای نظر اکثریت، حقوق اقلیت، کمتر مورد توجه بوده و در برخی موارد، مدیران شرکت از موقعیت خود سوءاستفاده می‌نمایند. در این راستا، لازم است راهکارهایی در جهت حمایت از سهامداران اقلیت پیش‌بینی شود. مدل آمریکایی «نظام اداره شرکت‌ها» برای حمایت از حقوق سهامداران اقلیت، راهکارهایی را در قالب «افشای منصفانه و کامل اطلاعات مالی و به صورت گزارش‌های فصلی و سالانه، و لزوم ایجاد کمیته افشا جهت بازبینی و نظارت بر گزارش‌های قابل ارائه به نهادهای ناظر و انتشار سود سهام»، «لزوم کسب اطلاع از موضوعات مجمع پیش از برگزاری و امکان ارائه پیشنهاد برای مجمع عمومی توسط هر یک از سهامداران با رعایت یکسری تشریفات دقیق»، «لزوم تشکیل کمیته نامزدها در هر شرکت» و «امکان اقامه دعوا توسط هر یک از سهامداران علیه مدیران متخلف به نام شرکت در قالب دعوای مشتق» طراحی نموده که در چهار دسته «حقوق اطلاعاتی»، «حقوق مدیریتی»، «حقوق کنترلی» و «حقوق دادرسی» قابل دسته‌بندی است. این مقاله با محوریت نظام حقوقی ایران و ایالات متحده آمریکا نوشته

شده است که در مقاله حاضر نیز از الگوی پلان‌بندی مقاله مزبور بهره گرفته شده است (۲).

در مقاله «مفهوم دعوی مشتق و ویژگی استثنایی آن» نوشته محمد عیسایی تفرشی و همکاران که در سال ۱۳۹۳ به چاپ رسیده است، از نظر نویسندگان، در حقوق شرکت‌های تجاری استیفای حقوق شرکت داخل در امر مدیریت و در صلاحیت انحصاری مدیرانی است که نمایندگی شرکت را بر عهده دارند. در مواردی که مدیران برای حفظ منافع شخصی خود یا حمایت از منافع کسانی که آن‌ها را در سیطره نفوذ خود دارند، از این مهم استنکاف می‌ورزند، پیش‌بینی راهکار مناسب، تأمین‌کننده حقوق شرکت و شرکای اقلیت خواهد بود. در این راستا نظام‌های حقوقی به شرکا اجازه داده‌اند برای استیفای حقوق شرکت، مداخله و به نام شرکت اقامه دعوا کنند. این دعوی را دعوی مشتق نامیده‌اند. مبنای این دعوا با شخصیت حقوقی مستقل شرکت و نمایندگی انحصاری مدیران از شرکت، مقتضی آن است که این دعوا به طور استثنایی تعریف شده و قلمروش محدود باشد تا شرکای اقلیت نتوانند آن را دستاویزی برای مداخله در عملکرد مدیران و اقامه دعوا علیه مدیران شایسته و لایق قرار دهند. با توجه به این ویژگی دعوی مشتق، قلمرو این دعوا محدود بوده، تنها در موارد خاص و استثنایی منصوص قابل استفاده است. در انگلیس، فرانسه و ایران قانونگذار دعوی مشتق را برای استیفای حقوق شرکت در مقابل تخلفات مدیریتی وضع کرده، در حالی که در آمریکا دعوی مشتق منحصر به تعقیب تخلفات مدیریتی نیست و برای استیفای حقوق شرکت در مقابل هر شخصی قابل استناد است (۳).

در ارتباط با اهمیت تحقیق حاضر باید عنایت داشت که حمایت از حقوق اقلیت‌ها در واقع یکی از ابزارهای حمایت از منافع شرکت و شرکا و انتظام بخش مدیریت شرکت است. علاوه بر این احترام به اقلیت‌ها و حفظ حقوق و منافع آنان در شرکت‌ها، با اصول اخلاق اقتصادی و تجاری مرتبط است. در مواردی که خطایی سبب ورود خسارت به شرکت می‌گردد آنجا که خطا منسوب به مدیران یا اشخاصی باشد که مدیران را تحت نفوذ خود دارند، به سبب تعارض منافی که ایجاد

شده است، نامبردگان تمایلی به اقامه دعوا علیه خطاکار ندارند. از این رو باید سازوکارهایی که به ذی‌نفعان اصلی شرکت، یعنی شرکا اجازه طرح دعوا به نام و به نفع شرکت را می‌دهند، طراحی شوند. با توجه به افزایش احتمال سوءاستفاده مدیران از جایگاه و مناسبات خود و همچنین سازوکار و رأی‌گیری بر اساس میزان سهام در شرکت‌های سهامی عام، لازم است ابزارهای حمایت از حقوق اقلیت در شرکت‌های سهامی مورد بحث و بررسی و توجه قرار گیرند.

## ۲. ملاحظات اخلاقی

اعلام نشده است.

## ۳. مواد و روش‌ها

این تحقیق از نوع نظری است؛ روش تحقیق به صورت توصیفی - تحلیلی می‌باشد و جمع‌آوری اطلاعات به شیوه کتابخانه‌ای و ضمن مراجعه به اسناد، کتب و مقالات، انجام گرفته است.

## ۴. یافته‌ها

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که اقامه دعوی سهامدار به نام و از طرف شرکت که همان دعوی مشتق است، در جهت اداره مناسب شرکت و حمایت از شرکت سهامی در برابر تخلفاتی است که مدیران در انجام وظایف خویش در برابر شرکت تعهد نموده‌اند. ماده ۲۷۶ لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت ۱۳۴۷ که به امکان اقامه دعوی مشتق اشاره دارد، طرح دعوی مشتق را صرفاً علیه اشخاص مذکور در ماده ۲۷۶ قانون مزبور ممکن می‌داند. راهکار دوم این است که سهامدار می‌تواند علیه هر شخص حقیقی یا حقوقی و از هر دو جنبه حقوقی و کیفری اقامه دعوی نماید؛ برخلاف دعوی مشتق که فقط از جنبه حقوقی می‌تواند اقامه می‌گردد. در دعوی مشتق که به طور استثنایی از طرف شخص غیر ذی‌نفع (سهامدار) اقامه می‌شود، ذی‌نفع خود شرکت سهامی می‌باشد، اما در طرح دعوی سهامدار به نام خود، ذی‌نفع خود سهامدار می‌باشد. مطالعه مفهوم ذی‌نفع در قانون تجارت و لایحه

چالش‌ها طراحی نشده‌اند. نتیجه منطقی این فضا، پیچیده شدن مناسبات مفاهیم، اصول و قواعد حقوقی است (۵). در فضای روابط میان تابعان حقوق، متغیرهای مختلفی وجود دارد. یکی از این متغیرها، پیشرفت صنعت و تکنولوژی است. این پیشرفت‌ها باعث شده است که اصول اخلاقی - حقوقی به سمت اختصاصی شدن حرکت کنند. به بیان ساده‌تر، اصول عام حقوق و اخلاق باید در فضاهای مختلف و با در نظر گرفتن متغیرهای مختلف تبدیل به قواعد محدودتر و تخصصی‌تر می‌شدند.

از دیرباز یکی از اصول اساسی در جوامع بشری، تصمیم‌گیری بر اساس رأی اکثریت و دموکراسی (در معنای احترام به رأی اکثریت) بوده است. در طول سال‌های متمادی، وضعیت حقوق اقلیت در کنار اکثریت یکی از چالش‌های مهم در فضای مباحث حقوقی بوده است. پس از قرن نوزدهم و تحولاتی که در فضای حقوق به تبع تحولات اصول اخلاقی - اجتماعی ایجاد شد، مسأله لزوم حفظ حقوق اقلیت و توجه ویژه به آن در آثار نویسندگان مورد توجه قرار گرفت. در قرن بیستم تا به امروز «اصل توجه به رأی اکثریت در پرتو احترام به رأی اقلیت» تبدیل به یکی از اصول اساسی و مبنایی نظام‌های حقوقی - سیاسی شد (۶). این اصل در فضای حقوق شرکت‌ها و به طور خاص شرکت‌های سهامی عام که اداره شرکت و رأی‌گیری آن بر اساس میزان سهام شرکا می‌باشد، با جدیت بیشتری دنبال شد، زیرا در چارچوب نظام حقوقی شرکت‌های سهامی چنانچه سهام عمده در اختیار یک یا چند نفر معدود باشد، عملاً کنترل شرکت با تکیه بر اصل احترام به رأی اکثریت در اختیار افراد مزبور قرار می‌گیرد و فضای مناسبی برای سوءاستفاده‌های احتمالی ایجاد می‌شود.

#### ۵-۲. قوانین و مقررات حاکم بر حقوق سهامداران

**اقلیت:** مقررات مربوط به «نظام اداره شرکت‌ها» از منظر حقوق سهامداران اقلیت، در حقوق فرانسه، در چند سطح مجزا قابل بررسی است: ۱- قوانین حاکم بر بازار اوراق بهادار که مهم‌ترین آن‌ها قانون اوراق بهادار ۱۹۳۳، قانون بورس اوراق بهادار ۱۹۳۴ و قانون شرکت‌های سرمایه‌گذاری ۱۹۴۰، است؛ ۲- قوانین مرتبط با «نظام اداره شرکت‌ها» که آخرین آن‌ها

اصلاح قانون تجارت ۱۳۴۷ نشان می‌دهد که قانونگذار برای مفهوم ذی‌نفع در قوانین مختلف از جمله قانون تجارت شاخصی تعیین ننموده است و باید با بررسی در مواد مختلف قانون تجارت ۱۳۱۱ و لایحه اصلاحی ۱۳۴۷، مفهوم ذی‌نفع را به دست آورد. در حقوق ایران با وجود آنکه قانون الزام آور ویژه‌ای در خصوص «نظام اداره شرکت‌ها» وضع نشده است، اما در مقررات مختلف مرتبط با شرکت‌های سهامی عام، نظیر «لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت مصوب ۱۳۴۷» و آیین‌نامه‌ها و دستورالعمل‌های مربوط به «نظام اداره شرکت‌ها»، سازوکارهایی نظیر «گزارش‌دهی سالانه مدیران به مجمع عمومی»، «کسب اطلاع سهامداران از موضوعات مجمع پیش از برگزاری» و «امکان اقامه دعوی نصاب حداقل یک‌پنجم سهامداران علیه مدیران تحت یکسری شرایط»، در این باره مورد توجه قرار گرفته است.

#### ۵. بحث

##### ۵-۱. ضرورت حفظ حقوق اقلیت در پرتو اصول اخلاق:

رسالت اصلی هنجارهای حقوقی، در واقع تنظیم کردن روابط میان تابعان حقوق است. در روند تولد هنجارهای حقوقی، ابتدا نیازهایی برای تابعان حقوق ایجاد می‌شود و تابعان برای رفع نیازهای خود، روابطی را با یکدیگر ایجاد می‌کنند. در هنگامه روابط مزبور، تابعان به دنبال تأمین منافع خود هستند. در اینجا است که تأمین منافع بستگی به میزان قدرت دارد، در نتیجه هرچه میزان قدرت بیشتر باشد، منافع بیشتری نیز تأمین می‌شود. از این رو لازم است که هنجارهایی وجود داشته باشند تا قدرت را مهار کنند. این هنجارها ابتدا در قامت هنجارهای اخلاقی و سپس در قامت هنجارهای حقوقی در فضای روابط میان تابعان حقوق، متولد می‌شوند (۴)، در نتیجه نظم و شکل هنجارهای حقوقی و اخلاقی تا حدود زیادی، سایه‌ای از نظم و شکل نیازها، منافع و قدرت و در یک کلام «فضای روابط تابعان حقوق» است. در حال حاضر از یکسو با سایه‌انداختن فضای پست‌مدرنیسم بر زندگی بشر، فضای روابط نیز با پیچیدگی‌ها و چالش‌هایی مواجه شده است و از سوی دیگر اصول و قواعد عالم حقوق از بدو تولد برای مواجهه با این

قانون Dad.Frank ۲۰۱۰ است؛ ۳- الزامات پذیرش بورس‌های اوراق بهادار، مشتمل بر تشریفات و مقررات وضع شده توسط بورس‌های مهم فرانسه، که همه شرکت‌های سهامی پذیرفته‌شده در این بورس‌ها ملزم به رعایت این مقررات هستند (۷).

در نظام حقوقی ایران نیز علاوه بر لایحه اصلاح قسمتی از قانون تجارت، مصوب ۱۳۴۷ و قانون بازار اوراق بهادار ۱۳۸۴ که قوانین مصوب مجلس هستند، آیین‌نامه‌ها و دستورالعمل‌های مختلفی نیز بر نظام اداره شرکت‌ها و مشخصاً «حقوق سهامداران اقلیت» حاکم است: ۱- دستورالعمل حاکمیت شرکتی شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران و فرابورس ایران مصوب، ۱۳۹۷؛ ۲- دستورالعمل کنترل‌های داخلی ناشران پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران و فرابورس ایران، مصوب ۱۳۹۱؛ ۳- منشور کمیته حسابرسی شرکت سهامی عام نمونه، پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران با فرابورس ایران، مصوب ۱۳۹۱؛ ۴- دستورالعمل اجرایی افشای اطلاعات شرکت‌های ثبت‌شده در سازمان بورس اوراق بهادار، مصوب ۱۳۸۶؛ ۵- آیین‌نامه نظام راهبری شرکتی بورس اوراق بهادار، مصوب ۱۳۸۶.

### ۳-۵. اقامه دعوای سهامداران به نام شرکت علیه

ثالث: در اقامه دعوای سهامداران به نام شرکت علیه شخص ثالث موضوع سمت و نمایندگی سهامداران مطرح می‌شود، زیرا به محض تحقق شخصیت حقوقی، این شخصیت، حقوق و تکالیفی مستقل از اعضای خود دارا خواهد شد. قانونگذار، ویژگی مزبور را به عنوان قاعده داراشدن کلیه حقوق و تکالیف خاص حقوقی همانند شخص حقیقی از یکسو و استقلال آن‌ها از حقوق و تکالیف اعضای تشکیل‌دهنده شخص حقوقی از سوی دیگر در نظر گرفته است. در همین راستا ماده ۵۸۸ قانون تجارت مصوب ۱۳۱۱ نیز برای شخص حقوقی کلیه حقوق و تکالیف شخص حقیقی را به غیر از آنچه که مختص انسان باشد، مقرر نموده است. نتیجه آنکه اصل بر اهلیت شخص حقوقی به داراشدن کلیه حقوق و تکالیف متصوره قانونی برای افراد است (۲). با توجه به اینکه شخصیت حقوقی (شرکت) نمی‌تواند در جهت اداره امور و حفظ منافع شرکت

اقدامی کند، ناگزیر نمایندگانی جهت انجام امور انتخاب می‌شوند که در شرکت‌های سهامی هیأت مدیره و مدیر عامل این عنوان را دارا می‌باشند که وظیفه اداره و نگهداری از شرکت بر عهده آن‌هاست. بنابراین سهامداران مجوز و اختیار اقامه دعوا علیه ثالث را ندارند و اشخاصی مجاز به اقامه دعوا هستند که صلاحیت و سمت این عمل را داشته باشند. سمت و نمایندگی عنوان حقوقی است که به شخص اجازه می‌دهد از دادگاه رسیدگی به امری را در خواست کند و یا هر عمل و اقدام قانونی را معمول نماید که مربوط به شخص وی نمی‌باشد. با توجه به اینکه سهامداران به نام شرکت اقامه دعوا می‌نمایند، باید سمت آن‌ها در شرکت معلوم و مشخص باشد که در قانون آیین دادرسی مدنی ذیل ماده ۳۴۲ مقرر شده: «هرگاه دادخواست‌دهنده عنوان وکالت یا مدیریت شرکت و امثال آن را داشته باشد، باید رونوشت یا تصویر سندی را که مثبت سمت او می‌باشد، پیوست دادخواست نماید.» شخص یا اشخاص مدعی سمت، علاوه بر داشتن نمایندگی از خواهان، باید نمایندگی مورد ادعای آن‌ها در قانون نیز پیش‌بینی شده باشد، یعنی نمایندگی مورد نظر قانونی باشد. نمایندگی قانونی در مفهوم اعم خود را می‌توان به نمایندگی قانونی به معنای اخص، نمایندگی قضایی و نمایندگی قراردادی بیان نمود (۸). ولی قهری، نمایندگی وزراء و رؤسای سازمان‌ها، مؤسسات و نهادهای انقلابی و... همچنین مدیران شرکت‌ها و... را می‌توان نوعی نمایندگی قانونی به معنای اخص در نظر گرفت (۸)، در این مبحث منظور از شخص ثالث اشخاصی به جز مدیران و مدیر عامل می‌باشد، یعنی خود سهامداران نیز نسبت به شرکت ثالث محسوب می‌شوند، چراکه شخصیت حقوقی شرکت جدا از سهامداران بوده و شرکت برای خود شخصیت و وجود مستقلی دارد. برای مثال فوت یا حجر شرکا در موجودیت شرکت سهامی تأثیری ندارد (۹).

### ۴-۵. راهکارهای اقامه دعوای سهامداران به نام

شرکت: سهامداران می‌توانند به وسیله نهاد دعوی مشتق به نام و از طرف شرکت در جهت منافع شرکت اقدام به طرح دعوی نمایند. در این قسمت ابتدا به تبیین دعوی مشتق، دیدگاه حقوقدانان در مورد دعوی مشتق و سپس امکان طرح

که به هر شریکی حساب پس بدهند، دعوی افراد شرکا محلی ندارد، ولی این عقیده صحیح نیست، زیرا اگر مدیران وکیل تمام شرکا هستند، بالطبع وکیل هر شریکی نسبت به سهم او نیز خواهند بود، پس هر شریکی در چنین مواردی می‌تواند نسبت به سهم خودش خسارت وارده را از مدیر مسؤول تقاضا کند و او را محکوم نماید، ولی چون دعوی متعلق به شرکت است محکوم به را باید به صندوق شرکت بپردازد (۱۱). قانون تجارت ایران در هیچ موردی پیش‌بینی نکرده است که صاحبان سهام بتوانند به نام شرکت بدون اجازه مجمع عمومی دعوی علیه مدیران برای خسارت وارده به شرکت اقامه دعوی نمایند. در هر موردی که یکی از صاحبان سهام یا عده‌ای از صاحبان سهام مدیران را مورد تعقیب قرار می‌دهند، اثبات تقصیر به عهده کسانی است که اقامه دعوا می‌نمایند و چنانچه خسارت وارده به شرکت مسلم گردد با وجود آنکه دعوا از طرف بعضی از صاحبان سهام طرح شده باشد، مدیران به پرداخت خسارت وارده به شرکت محکوم خواهند شد (۱۲).

اگرچه این حقوقدانان به امکان اقامه دعوی مشتق از سوی شرکا و سهامداران بر اساس قانون تجارت ۱۳۱۱ قائل بودند، با تصویب لایحه اصلاح قسمتی از قانون تجارت در سال ۱۳۴۷ نهاد مذکور وارد حقوق ایران شد. مواد ۲۷۶ و ۲۷۷ لایحه مزبور احکام و شرایط اقامه این دعوا را پیش‌بینی کرده‌اند. برخی از حقوقدانان برای تبیین دعوی مشتق این چنین تقریر نموده‌اند. اقامه دعوی ناشی از مسؤولیت مدنی مدیران و مدیر عامل توسط سهامداران به دو صورت انجام می‌گیرد: ۱- دعوی مستقیم؛ ۲- دعوی غیر مستقیم.

۴-۱-۱. دعوی مستقیم: منظور از دعوی مستقیم اقامه دعوی شخص زیان‌دیده علیه مدیران و مدیر عامل یا شخص ثالث متخلف است. این شخص ممکن است خود شرکت باشد یا اینکه از سهامداران شرکت و یا طلبکاران آنکه در این حالت سهامدار نمی‌تواند زیان وارد بر شرکت را مطالبه کند، بلکه باید اگر مدیر عاملی به جای تقسیم سود میان شرکا، سهم بعضی از آنان را به نفع خود برداشت نمود، اقامه دعوی کند. هر سهامدار می‌تواند علیه او اقامه دعوی شخصی کند و حاصل دعوی نیز به خود او تعلق خواهد گرفت.

دعوی مشتق علیه شخص ثالث پرداخته می‌شود و در نهایت به بررسی دعوی مشتق از جهت امکان طرح به صورت کیفری خواهیم پرداخت.

۴-۵-۱. اقامه دعوی مشتق: اساساً یکی از نتایج نظریه شخصیت حقوقی مستقل شرکت آن است که شرکت از اهلیت عام برخوردار بوده و می‌تواند به نام خود اقامه دعوا کرده و طرف دعوا قرار گیرد. بنابراین سهامداران شرکت نمی‌توانند از طرف شرکت این وظیفه را انجام دهند، بلکه خود شرکت است که در این دعوا ذی‌نفع می‌باشد (۱۰)، در نتیجه و به عنوان قاعده، دعوی شرکا به نام و از طرف شرکت جایز نمی‌باشد. با وجود این، در مواردی ممکن است نمایندگان شرکت و عاملان زیان به شرکت افراد یکسانی باشند و از اقامه دعوا امتناع نمایند، لذا در صورت عدم وجود مکانیزمی جهت حمایت از گروه‌های ذی‌نفع یعنی سهامداران و به ویژه سهامداران اقلیت، اشخاص ثالث ذی‌نفع، شرکت زیان‌دیده، سهامداران و دیگر اشخاص ذی‌نفع به طور غیر مستقیم از این زیان آسیب خواهند دید (۲).

با مالکیت سهام، حقوقی به سهامداران اعطا می‌شود که می‌توان از آن به حقوق اختصاصی با شریک تعبیر کرد و در اساسنامه یا با تصمیم نهادهای شرکت نمی‌توان این حقوق را نقض کرد (۹). یکی از این حقوق، حق اقامه دعوی سهامدارانی است که یک‌پنجم سهام شرکت متعلق به آن‌ها می‌باشد که با عنوان دعوی مشتق شناسایی می‌شود. در قانون تجارت ۱۳۱۱ نهادی هم نام یا مشابه با ماهیت حقوقی دعوی مشتق که تعریف آن در ادامه خواهد آمد وجود ندارد، اما برخی از نویسندگان متقدم حقوق تجارت ایران به امکان طرح چنین دعوی از سوی شرکا و سهامداران شرکت بر اساس قانون تجارت ۱۳۱۱ نظر داده‌اند:

اگرچه دعوی متعلق به شرکت را باید نمایندگان قانونی شرکت طرح نمایند، ولی نظر به اینکه ممکن است مدیران شرکت مجمع عمومی را تشکیل ندهند و یا برخلاف مقررات تشکیل بدهند، ناچار باید به شرکا حق داده شود که آن دعوا را طرح کنند. ایراد کرده‌اند که چون مدیران وکالتشان در مقابل مجمع شرکا، یعنی مجمع عمومی است و موظف نیستند

۴-۱-۲. دعوای غیر مستقیم: این دعوی وقتی مصداق دارد که مدیران و مدیر عامل به سببی از اسباب خسارت وارد بر شرکت به دلیل تخلف مدیران را مطالبه نمی‌کنند. قانونگذار در ماده ۲۷۶ لایحه قانونی ۱۳۴۷ در چنین فرضی پیش‌بینی کرده است: همانطور که ملاحظه می‌کنیم اشخاصی که به نام شرکت اقامه دعوی می‌کنند، اگر بردی داشته باشند، بردشان به نفع شرکت است و حاصل برد بین همه سهامداران تقسیم می‌شود، ولی به عکس، اگر دعوایشان به نتیجه نرسد، خود باید هزینه را اقامه دعوی را متحمل شوند (۹).

دعوای مشتق دعوایی است که از طرف سهامدار، به نام و برای شرکت و به دلیل نقض وظایف مدیریتی مدیران اقامه می‌گردد. این تعریف با ماده ۲۷۶ نیز سازگار بوده و در نتیجه می‌توان عنوان دعوای مشتق را برای آن مناسب دانست. به عبارت دیگر وجه تشابه ماده ۲۷۶ لایحه قانونی با دعوای مشتق آن است که سهامداران خواهان، ذی‌نفع در طرح دعوی نبوده، بلکه دعوی به نام شرکت طرح شده و جبران خسارت نیز برای شرکت خواهد بود (۲). بنابراین با توجه به ماده فوق‌الذکر دعوای مشتق را در حقوق ایران می‌توان به شرح زیر تعریف کرد: «دعوای مشتق دعوایی است که دارنده یا دارندگان حداقل یک‌پنجم سهام شرکت به منظور مطالبه خساراتی که از تقصیر مدیران یا مدیر عامل به شرکت وارد شده است، به نام و از طرف شرکت علیه آن‌ها اقامه می‌کنند.» دعوای مشتق، دعوایی است که خواهان دعوی ذی‌نفع اصلی دعوی نمی‌باشد. در واقع در صورت محکوم‌له واقع شدن اقلیت سهامداران، رأی به نفع شرکت و سود آن به همه سهامداران می‌رسد.

۴-۲-۵. دیدگاه‌های حقوقدانان: در رابطه با پذیرش دعوای مشتق برای سهامداران دیدگاه‌های متفاوتی وجود دارد که در زیر به دلایل موافقین و مخالفین دعوای مشتق در حقوق شرکت‌های تجاری می‌پردازیم.

۴-۲-۱. دلایل موافقین: موافقین دلائل چندی در سودمندی و لزوم بهره‌گیری از نهاد دعوای مشتق عرضه داشته‌اند که به برخی از آن‌ها اشاره می‌گردد.

- بهسازی عملکرد مدیران شرکت: هدف بخش مهمی از مقررات حاکم بر شرکت‌های تجاری در کلیه نظام‌های حقوقی ایجاد راهکارهایی برای کنترل عملکرد مدیران و جلوگیری از سوءاستفاده آن‌ها از اختیارات خود می‌باشد، دعوای مشتق نیز یکی از ابزارهای مؤثر کنترل عملکرد مدیران از سوی شرکا اقلیت می‌باشد. پرواضح است در صورتی که دعوای مشتق جایگاه حقیقی خود را در نظام حقوقی بیابد، به طوری که هم صاحبان سهام از وجود حق طرح دعوای مشتق و شرایط آن آگاه شوند و هم محاکم با درک صحیح جایگاه و تأثیر مثبت آن بر بهبود عملکرد مدیران و جلوگیری از سوءاستفاده آن‌ها از اختیارات خود، رویه مناسبی در این زمینه ایجاد کنند. دعوای مشتق می‌تواند بدون در بر داشتن هزینه‌ای برای شرکت یا دولت به عنوان نهاد مؤثر کنترل و نظارت بر عملکرد مدیران از سوی صاحبان سهام اقلیت ایفای نقش نموده و مدیران از ترس اقامه دعوا از سوی شرکا از ارتکاب تخلف در انجام وظایف خود بپرهیزند (۱۴).

- جلب اعتماد سرمایه‌گذاران: عملکرد مدیران شرکت یکی از معیارهای تأثیرگذار بر تصمیم‌گیری سرمایه‌گذاران در سرمایه‌گذاری سهام شرکت است. سرمایه‌گذار تا زمانی که از مناسب بودن عملکرد مدیران در اداره شرکت و وجود نهادهای نظارتی و حمایتی مؤثر در قبال سوءاستفاده و تخلفات آن‌ها مطمئن نشود، سرمایه خود را در اختیار شرکت یا مدیران آن قرار نمی‌دهد (۱۵).

دعوای مشتق این اطمینان را برای سرمایه‌گذار فراهم می‌کند که در صورت مشاهده تخلفات مدیران حتی اگر کلیه ارگان‌های مسؤول در اثر تبانی یا وجود منافع شخصی در قبال این تخلفات سکوت کنند، می‌توانند با اقامه دعوا ضرر و زیان شرکت و به تبع آن زیان خود را جبران کنند. وجود این اطمینان خاطر و نیز افزایش تمایل عموم برای سرمایه‌گذاری در سهام شرکت‌های تجاری، موجب گسترش و افزایش توان مالی شرکت‌ها و نتیجتاً توسعه اقتصاد ملی خواهد شد. از این جهت یکی از اهداف قانونگذاران در وضع مقررات حاکم بر دعوای مشتق و تسهیل شرایط اقامه آن توسعه کارایی بازار

۳-۴-۵. شرایط اقامه دعوی مشتق: در هر نظام حقوقی شرایطی برای دعوی مشتق وجود دارد، از جمله مطابق بند ۱ ماده ۲۶۰ قانون شرکت‌ها (۲۰۰۶ م.) فرانسه در مقام تعریف دعوی مشتق وجود سه رکن را لازم می‌داند (۱۷) که عبارتند از لزوم سهامداربودن خواهان، تخلف مدیران در انجام وظایفی که در مقابل شرکت تعهد نموده‌اند و جبران خسارات ادعایی متعلق به شرکت. بنابراین، مطابق ماده ۲۶۰ قانون شرکت‌های فرانسه (۲۰۰۶ م.) دعوی مشتق از سه رکن تشکیل می‌شود که عبارتند از: ۱- سهامدار بودن شخصی که دعوا را اقامه می‌کند؛ ۲- تخلف مدیران در انجام وظایفی که در مقابل شرکت تعهد نموده‌اند؛ ۳- غرامات حاصله متعلق به شرکت باشد نه سهامدار مدعی (۲).

در حقوق ایران نیز در ماده ۲۷۶ شرایط اقامه دعوی مشتق به شرح ذیل بیان شده است: «شخص یا اشخاصی که مجموع سهام آن‌ها حداقل یک‌پنجم مجموع سهام شرکت باشد، می‌توانند در صورت تخلف یا تقصیر رییس هیأت مدیره و یا مدیر عامل به نام و از طرف شرکت و به هزینه خود علیه رییس یا تمام یا بعضی از اعضای هیأت مدیره و مدیر عامل اقامه دعوی نمایند و جبران کلیه خسارات وارده به شرکت را از آن‌ها مطالبه کنند. در صورت محکومیت رییس یا هر یک از اعضای هیأت مدیره با مدیر عامل به جبران خسارات شرکت و پرداخت هزینه دادرسی حکم به نفع شرکت اجرا و هزینه‌ای که از طرف اقامه‌کننده دعوی پرداخت شده، از مبلغ محکوم‌به، به وی مسترد خواهد شد. در صورت محکومیت اقامه‌کنندگان دعوی پرداخت کلیه هزینه‌ها و خسارات به عهده آنان است. دعوی مشتق و به تعبیری دعوی غیر مستقیم وقتی مصداق پیدا می‌کند که مدیران و مدیر عامل به دلایلی خسارت وارد بر شرکت از جانب مدیران و مدیر عامل متخلف یا مقصر، بازرسی و یا شخص ثالث مقصر را مطالبه نمی‌کنند (۹) یا تعداد مدیران متخلف در هیأت مدیره به اندازه‌ای است که از طرح چنین دعوایی جلوگیری می‌کنند (۱۰). در واقع می‌توان گفت مبنای طرح چنین دعوایی حمایتی از سهامداران کم قدرت و به نوعی طرف ضعیف در برابر مدیران یا مدیر عامل و به نوعی اکثریت قدرتمند سهامداران می‌باشد که دارای رأی بیشتری

اوراق بهادار (سهام) از طریق جلب اعتماد سرمایه‌گذاران به عملکرد مدیران شرکت‌های پذیرفته‌شده در بازار می‌باشد (۱۶). ۲-۴-۵. دلایل مخالفین: در رابطه با معایب این نهاد حقوقی و تأثیرات منفی آن بر مدیریت شرکت و نظام قضایی دیدگاه واحدی وجود ندارد. معمولاً معایب را با لحاظ شرایط طرح دعوا در نظام حقوقی ملی باید در نظر گرفت، اما در هر حال دو دلیل بنیادین از سوی مخالفین بر نهاد مذکور به شرح ذیل مطرح است:

- ایجاد اختلال در مدیریت شرکت: ترس از احتمال طرح دعوی مشتق از سوی شرکا و محکومیت به جبران زیان موجب می‌شود که مدیران جسارت و اراده لازم برای تصمیم‌گیری خلاقانه برای اداره شرکت را از دست داده و گرفتار روزمرگی در مدیریت شوند که در نهایت موجب تضرر شرکت و به تبع آن شرکا می‌شود. همچنین این احتمال همیشه وجود دارد که سهامداران اقلیت از چنین مکانیزم حمایتی برای تحت فشار قراردادن مدیران و مدیر عامل شرکت سوءاستفاده نمایند و راهکار دعوی مشتق ابزاری برای تسویه حساب‌های شخصی تبدیل گردد. از نظر طرفداران این دیدگاه، مدیرانی که خود را در معرض دعوی مشتق می‌بینند، به منظور جلوگیری از خدشه‌دار شدن اعتبار خود، حتی از انجام اقداماتی قانونی که ظاهری نوآورانه و خلاف عادت دارند، امتناع خواهند نمود، به این ترتیب با تأسیس این نهاد سیاستی ثابت، غیر منطبق با نیازهای جدید شرکت و مخل با اقتضانات مدیریت کارآفرین بر شرکت حاکم می‌شود (۱۶).

- افزایش حجم پرونده در محاکم: اعطای حق اقامه دعوی مشتق برای صاحبان سهام موجب طرح دعاوی متعدد و احتمالاً واهی از سوی شرکا شده و حجم پرونده‌های مطروحه در نظام قضایی را افزایش می‌دهد (۱۴). افزایش تعداد پرونده در محاکم نیز تبعاً از میزان دقت دادگاه در رسیدگی‌های قضایی می‌کاهد یا موجب افزایش هزینه‌های دولت برای استخدام نیروی انسانی بیشتر برای رسیدگی به این پرونده‌ها خواهد شد. بنابراین هزینه اجرای مقررات مربوط به دعوی مشتق به نفع شرکا بر جامعه تحمیل می‌شود.

در انتخاب مدیران بوده و بالطبع مدیران منتخب آن‌ها می‌باشند. همانطور که مقرر شده قانونگذار با توجه به شرایطی حق اقامه دعوی را به سهامداران اعطا نموده است که با توجه به ماده مذکور شرایط اقامه دعوی مشتق را می‌توان به شرح زیر بیان نمود:

در حقوق ایران دعوی مشتق به نفع و از طرف شرکت سهامی اعم از عام و خاص قابل طرح است، اگرچه این شرط صریحاً در ماده ۲۷۶ لایحه قانون اصلاح قسمتی از قانون تجارت ذکر نشده است، با توجه به اینکه مصوبه مذکور صرفاً مقررات حاکم بر شرکت‌های سهامی را مورد حکم قرار داده و جهت اصلاح قانون تجارت ۱۳۱۱ در ارتباط با مقررات حاکم بر شرکت‌های سهامی تصویب شده است، بنابراین حکم ماده ۲۷۶ قانون تجارت نیز بر شرکت‌های سهامی قابل اعمال است. حکم ماده ۲۷۶ لایحه اصلاحی قابل تعمیم به شرکت‌های غیر سهامی نمی‌باشد. عباراتی نظیر «شخص یا اشخاصی که مجموع سهام آن‌ها حداقل یک پنجم مجموع سهام شرکت باشد که در ماده مزبور به کار رفته است دلالت بر لزوم سهامی بودن شرکت دارد، چون در شرکت‌های دیگر موضوع قانون تجارت ۱۳۱۱ به غیر از شرکت مختلط سهامی، به دلیل اینکه سرمایه شرکت به سهام تقسیم نمی‌شود، دارندگان حداقل یک‌پنجم سهام شرکت موضوعیت پیدا نمی‌کند. در ارتباط با شرکت‌های مختلط سهامی باید ذکر کرد، با توجه به اینکه چنین شرکت‌هایی در قانون تجارت ۱۳۱۱ در کنار شرکت‌های سهامی موجود بوده‌اند و قانونگذار فقط اقدام به تقریر قانون شرکت‌های سهامی نموده و همچنین با در نظر گرفتن اینکه در شرکت‌های سهامی مختلط افرادی با عنوان شرکای ضامن حضور دارند، می‌توان گفت وضعیت این نوع شرکت با شرکت سهامی یکسان نبوده و نهاد دعوی مشتق مختص شرکت‌های سهامی موضوع لایحه اصلاحی قانون تجارت ۱۳۶۷ می‌باشد.

مطابق ظاهر ماده ۲۷۶ لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت، دعوی مشتق صرفاً باید علیه رییس یا اعضای هیأت مدیره و یا مدیر عامل شرکت سهامی اقامه شود. ماده ۲۷۶ لایحه اصلاح قسمتی از قانون تجارت عنوان مسئولیت مدنی را برای این راهکار حمایتی برگزیده است (۲)، پیروزی

اقامه کنندگان دعوا نیز منوط بر اثبات ارکان مسئولیت مدنی، یعنی تقصیر مدیران یا مدیر عامل در اداره شرکت، ورود زیان به شرکت و رابطه سببیت بین تقصیر مدیران یا مدیر عامل و ورود زیان به شرکت می‌باشد. صاحبان سهام نمی‌توانند به نام و از طرف شرکت علیه اشخاص ثالث (خارج از شرکت)، اقامه دعوا کنند، لذا اگر شخص ثالثی از ایفای تعهدات خود در قبال شرکت امتناع نماید و موجب ورود زیان به شرکت شود، مدیران باید به نمایندگی از شرکت علیه ثالث طرح دعوا کنند، چنانچه امتناع مدیران از اقامه دعوا علیه ثالث موجب ورود زیان به شرکت شود، سهامداران می‌توانند خسارت ناشی از تقصیر مدیران یا مدیر عامل را با اقامه دعوی مشتق مطالبه کنند. با در نظر گرفتن ماده ۲۷۶ لایحه قانونی و با توجه به نقص لایحه قانونی مزبور در تصریح دقیق وظایف مدیران، عدم تبیین چگونگی تخلف و دایره شمول آن، مبهم و متضمن اختلاف به نظر می‌رسد. با وجود این، با توجه به اینکه مفهوم تقصیر در قانون مدنی معین شده، لذا در این رابطه نیز می‌بایست به همان قواعد عام رجوع نمود. دعوی مشتق صرفاً در قالب دعوی مسئولیت مدنی و برای الزام مدیران یا مدیر عامل به جبران خسارت ناشی از تقصیر آن‌ها قابل طرح است، بنابراین سهامداران شرکت نمی‌توانند با اقامه دعوی مشتق ابطال تصمیم یا عمل غیر قانونی مدیران را از دادگاه بخواهند. مطابق ماده ۲۷۰ لایحه قانونی هر سهامدار می‌تواند دعوی ابطال اعمال غیر قانونی مدیران یا مدیر عامل را مستقیماً و به نام و از طرف خود از دادگاه درخواست کند. در رابطه با اقامه دعوی مشتق علیه خود شرکت باید بیان کرد که شرکت شخصیت مجزا از شرکا دارد و این شخصیت، اعتباری می‌باشد. به واسطه این شخصیت اعتباری هرچند رأس‌المال شرکت متعلق به سهامداران می‌باشد، لیکن اموال و دارایی‌های شرکت بلاواسطه متعلق به شرکت می‌باشد. به عبارتی دیگر هر مالی از اموال شرکت به واسطه شخصیت اعتباری که شرکت دارد متعلق به شرکت و مآلاً از نظر جوهر حقوقی متعلق حق صدها هزار نفر سهامدار می‌باشد، بنابراین هر سهامدار به تنهایی نمی‌تواند اموال شرکت یا زیان‌های وارده بر شرکت را مطالبه نماید و اگر یک سهامدار مطالبه زیان وارده بر شرکت را

شرکتی هنگام تعریف وظایف مدیران، پیچیده‌تر می‌شود که می‌تواند زمینه‌ساز اقدامات اجرایی عمومی یا خصوصی باشد. در مورد یک شرکت منفرد، وظایف وفاداری و مراقبت نسبت به این شرکت، کم و بیش روشن بوده و تقریباً در همه کشورها قابل اجرا است. با این حال، یک گروه، کنترل موارد را به طور قابل توجهی تغییر می‌دهد، به خصوص وقتی که یک سهامدار کنترل‌کننده از طریق یک گروه، فعالیت می‌کند.

سؤال اینجاست که آیا این مسأله باعث می‌شود که در صورت عدم حضور سهامدار در شرکت دیگر، از حقوق اقلیت جلوگیری شود یا خیر؟ این امر، وظیفه وفاداری اعضای هیأت مدیره را در زمانی که آن‌ها باید وظیفه خود را در برابر توازن نظری از مزایای شرکت در گروه تعیین کنند، واگذار می‌کند. این سؤال تا حدی متفاوت است. چگونه وظایف مدیران باید تعریف شود وقتی گروه‌های شرکت در واقع با کنترل متمرکز قوی، گسترده می‌شوند؟ تضاد منافع اعضای هیأت مدیره نه‌تنها در رابطه با منافع مالی آن‌ها، بلکه در رابطه با گروه‌های شرکت مرکزی است که تخصیص یا انکار فرصت‌ها ممکن است هر روز اتفاق بیفتد (۱۹). یک استثنای خاص، در مورد پذیرش استانداردهای گزارشگری مالی بین‌المللی (IFRS) است: استاندارد حسابداری بین‌المللی (IAS 24) و IAS 27 نیاز به افشای اطلاعات مربوط به طرف‌های مرتبط و گروه برای اهداف تلفیقی دارند. با توجه با مطالب بیان‌شده می‌توان گفت وضعیت سهامدار برای طرح دعوی مشتق در هر دو نظام حقوقی یکسان می‌باشد و سهامدار بودن شخص در زمان وقوع تخلف و یا تقصیر تأثیری در حق اقامه دعوی مشتق سهامدار ندارد.

۴-۴-۵. قواعد شکلی حاکم بر دعوی مشتق: برای اقامه دعوی رعایت قواعد و شرایطی مورد نیاز است که در صورت عدم رعایت مورد رسیدگی قرار نخواهد گرفت. دعوی مشتق به عنوان نهادی در جهت حمایت از سهامداران اقلیت، اگرچه خود دارای شرایطی می‌باشد که در صورت اجتماع آن‌ها می‌توان اقامه دعوا نمود، اما دعوی مشتق به صرف دعوای بودن باید شرایط طرح دعوا نیز داشته باشد. برخی حقوقدانان (۸) ایران برای اقامه دعوا چهار شرط قائل گردیده‌اند: ۱- حق مورد

نمایند، به این دلیل که یک دین مشاع باشد پذیرفته نمی‌شود، لازم است تمام شرکا و سهامداران بالاتفاق طرح دعوا نمایند، در غیر این صورت به لحاظ اینکه دعوا صحیحاً طرح نشده است، قرار رد چنین دعوایی صادر خواهد شد. با این وجود از نظر عملی توالی فاسدی در رابطه با شرکت‌ها به وجود خواهد آمد که ممکن است موجب تضرر شرکت و در بسیاری از موارد تضرر سهامداران اقلیت شود. با توجه به مطالب بیان‌شده در رابطه با اقامه دعوی مشتق علیه خود شرکت، با توجه به متن صریح ماده ۲۷۶ لایحه عملاً امکان طرح چنین دعوایی وجود ندارد و ماده مزبور فقط اقامه دعوا علیه مدیر یا مدیر عامل در صورت تخلف و تقصیر را پذیرفته است.

شرط دیگری که در ماده ۲۷۶ لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت برای اقامه دعوی مشتق مقرر شده لزوم اقامه دعوا از سوی دارندگان حداقل یک‌پنجم سهام است که ظاهراً برای جلوگیری از اقامه دعوی واهی مقرر شده است. با توجه به متن ماده ۲۷۶ لایحه قانونی سهامدار بودن شخص در زمان اقامه دعوا برای طرح دعوی مشتق کافی است و زمان سهامدار شدن شخص تأثیری در حق اقامه دعوی مزبور ندارد. این در حالیست که در حقوق فرانسه ماده (۴) ۲۶۰ قانون شرکت‌ها به سهامدار این اجازه را می‌دهد که جهت پیگیری خطایی که قبل از عضویت او در شرکت روی داده از طرف شرکت اقامه دعوا کند. دلیل این رویکرد آن است که حق متعلق به شرکت بوده و نه سهامدار و سهامدار می‌تواند پس از ورود به شرکت و در صورت لزوم به اعمال آن بپردازد. بنابراین اینکه شخص چه زمانی به عضویت شرکت درآمده، اهمیتی در اعمال حق اقامه دعوی مشتق ندارد (۱۸).

گروه‌های شرکتی از طریق قوانین حسابداری و شفافیت و از طریق تعریف وظایف مدیران در نظر گرفته می‌شوند و بنابراین پایه‌ای برای اجرای آن هستند. این مورد همچنین از رویه‌ها و افشای اطلاعات مربوط به معاملات در دوره عادی تجارت و از نظر بازار نیز مقرر شده است. در صورت وجود موارد قانونی، آن‌ها باید به قانونگذار، اطلاع داده شده و در گزارش نیم‌سالانه یا سالانه شرح داده شوند تا مبنایی برای سیاستگذاری نظارت وجود داشته باشد. مسأله گروه‌های

متخذه به نام شرکت معمول گردیده است. معمولاً اقامه دعوی از طرف هیأت مدیره علیه مدیر یا مدیران متخلف انجام می‌پذیرد، لکن در صورتی که مدیران متخلف در هیأت مدیره از اکثریت آرا برخوردار و نماینده اکثریت سهام باشند، قانونگذار برای رعایت حال سهامداران اقلیت و جلوگیری از تضییع حقوق آن‌ها امکان اقامه دعوی از سوی ایشان و به نام شرکت را تجویز نموده است.

۴-۴-۱. داشتن سمت یا نمایندگی: شخص که به نمایندگی از دیگری اقامه دعوی می‌نماید، باید سمتی جهت اقامه دعوی داشته باشد. سمت عنوانی حقوقی است که به هر شخص اجازه می‌دهد که از دادگاه، رسیدگی به امری را درخواست کند و یا هر عمل و اقدام قانونی را معمول نماید که مربوط به شخص او نمی‌باشد (۸). اصل بر این است که اشخاص به اصالت و از طرف خود اقدام می‌کنند و داشتن سمت نیازمند اثبات است. در مواردی هم که شخص اقامه دعوا کرده و ذکری از سمت خویش به میان نمی‌آورد، اصل بر این است که برای خویش اقامه دعوا می‌کند.

۴-۴-۲. داشتن اهلیت قانونی: اقامه دعوی از مصادیق بازر اجرای حق است و بنابراین یکی از شرایط اقامه دعوی اهلیت قانونی است. شخص که اقامه دعوی می‌نماید در صورتی «اهل» محسوب می‌شود که بالغ، عاقل و رشید باشد (ماده ۲۱۱ ق.م). به موجب ماده ۹۵۶ ق.م «اهلیت برای دارابودن حقوق با زنده‌متولدشدن انسان شروع و با مرگ او تمام می‌شود.

#### ۶. نتیجه‌گیری

تأمین حقوق اقلیت در کنار اکثریت یکی از چالش‌های مهم در فضای مباحث حقوقی و ریشه‌دار در نظریات اخلاقی-اجتماعی در ساحت‌های مختلف بوده است. از قرن بیستم تا به امروز «اصل توجه به رأی اکثریت در پرتو احترام به رأی اقلیت» تبدیل به یکی از اصول اساسی و مبنایی نظام‌های حقوقی - سیاسی شد. این اصل در فضای حقوق شرکت‌ها و به طور خاص شرکت‌های سهامی عام که اداره شرکت و رأی‌گیری آن بر اساس میزان سهام شرکا می‌باشد، با اهتمام بیشتری دنبال شد، زیرا در چارچوب نظام حقوقی شرکت‌های

ادعا باید منجز بوده و معلق و مشروط نباشد؛ ۲- اعمال‌کننده حق باید ذی‌نفع باشد؛ ۳- باید سمت او از حیث اصالت یا نمایندگی قانونی محرز باشد؛ ۴- باید اهلیت قانونی داشته باشد. برخی اساتید وجود حق منجز را شرایط اقامه دعوا ندانسته (۸)، بلکه از شرایط پیروزی در دعوی اقامه‌شده می‌دانند.

ماده ۲ قانون آیین دادرسی مدنی مقرر می‌دارد: «هیچ دادگاهی نمی‌تواند به دعوایی رسیدگی کند، مگر اینکه شخص یا اشخاص ذی‌نفع یا وکیل یا قائم مقام یا نماینده قانونی آنان رسیدگی به دعوا را برابر قانون درخواست نموده باشند. با توجه به ماده سهامداران در صورتی می‌توانند ابطال تصمیم‌گیری‌های متخذه شرکت را درخواست کنند که مستقیماً از زبان‌های وارده متضرر شده باشند یا تخلف از شرطی شده باشد که رعایت آن متضمن حفظ حقوق سهامداران باشد، مثلاً اگر در اساسنامه شرکت قید شده باشد که مدیران شرکت باید حتماً دارای تحصیلات در رشته مدیریت صنعتی یا حسابداری باشند و اگر مجمع عمومی تخلف از این شرط نموده باشد، پرواضح است که سهامداران در طرح دعوا ذی‌نفع می‌باشند، زیرا این به منزله یک شرط ضمن عقد است و تمام سهامداران یکایک مشروط در این امر می‌باشند و هرگاه مجمع عمومی تخطی نماید، این اقدام یک نوع تخلف از شرط فعل است که ماده ۲۳۷ ق.م در مورد آن مقرر نموده است: «هرگاه در ضمن عقد شرط فعل باشد، اثباتاً یا نفیاً کسی که مستلزم به انجام شرط شده باشد، باید آن را به جا بیاورد و در صورت تخلف، طرف معامله می‌تواند به حاکم رجوع نموده و تقاضای اجبار به وفا به شرط بنماید»؛ پس در دادخواست تقدیمی خواهان، موضوع خواسته دعوی می‌تواند دو عنوان داشته باشد، اول، ابطال تصمیم مجمع عمومی و عزل مدیر؛ دوم، الزام مجمع عمومی به انتخاب مدیر دارای شروط مندرج در اساسنامه و پیداست این دعوی مسموع است. نحوه طرح دعوی نیز باید به موجب دادخواست باشد و نه در خواست. باید دادخواست مطروحه به خواسته ابطال تصمیمات و به طرفیت شرکت سهامی مطرح گردد، زیرا ارگان تصمیم‌گیرنده با اداره‌کننده شرکت به خودی خود شخصیت حقوقی مستقل ندارد و تصمیمات و اقدامات

اشخاص مزبور را طرف دعوا قرار دهند؛ و در صورت طرح دعوا به طور خودکار رد خواهد شد. همچنین، امکان اقامه دعوی مشتق به صورت کیفری به دلایلی وجود ندارد، اولاً مجوز طرح دعوا به صورت استثنایی مقرر شده و در استثنا تفسیر موسع ننموده و در حد همان استثنا عمل می‌کنیم؛ ثانیاً با در نظر گرفتن اینکه قانونگذار بخش جزایی را مجزا تدوین نموده و اینکه در مقام بیان بوده، چنین استنباط می‌شود که طرح دعوی مشتق به صورت کیفری مجوزی ندارد.

دعوی مشتق با توجه به اینکه در کشورهای مختلف شرایط مختلفی دارد، اما در کل شالوده آن در همه نظام‌ها یکسان بوده و در همین راستا موافقین و مخالفین دارد. موافقین دعوی مشتق با تکیه بر این نهاد به جلب اعتماد سرمایه‌گذاران و بهسازی عمل مدیران اعتقاد داشته و دعوی مشتق را نهادی سازنده و در جهت حمایت از اقلیت می‌دانند، اما مخالفین با اشاره به حجم بالای پرونده‌ها در دادگاه‌ها این نهاد را عاملی برای تشدید تراکم پرونده‌ها دانسته و نیز با سلب اعتماد به نفس مدیران آن‌ها را از ریسک‌هایی که به نظرشان می‌تواند مفید واقع شود، باز می‌دارد.

همچنین، اقامه دعوی سهامداران به نام خود از ماده ۲۷۰ لایحه قسمتی از قانون تجارت استنباط می‌شود. در واقع در صورت تضییع حق سهامدار یا سهامداران توسط هر شخصی اعم از مدیر، مدیر عامل، شخص حقیقی یا حقوقی دیگر، با توجه به ذی‌نفع بودن، سهامدار می‌تواند دعوا را علیه شخصی که احتمال خسارت را به وی نسبت می‌دهد، اقامه کند. شرایط طرح دعوی سهامداران به نام خود اعم از حقوقی و کیفری همان شرایط عمومی اقامه دعوا است.

#### ۷. تقدیر و تشکر

ابراز نشده است.

#### ۸. سهم نویسندگان

نگارش مطالب مقاله حاضر را حسین پایی برعهده داشته که همراه با نظارت و راهنمایی جواد نیک‌نژاد انجام شده است.

سهامی چنانچه سهام عمده در اختیار یک یا چند نفر معدود باشد، عملاً کنترل شرکت با تکیه بر اصل احترام به رأی اکثریت در اختیار افراد مزبور قرار می‌گیرد و فضای مناسبی برای سوءاستفاده‌های احتمالی ایجاد می‌شود.

لذا سهامداران می‌توانند به وسیله نهاد دعوی مشتق به نام و از طرف شرکت در جهت منافع شرکت اقدام به طرح دعوی نمایند. با وجود آنکه از تدقیق در برخی مقررات ایران می‌توان حقوق حداقلی را برای اقلیت سهامداران در شرکت‌های سهامی شناسایی کرد، اما سکوت قوانین رایج، عدم الزام‌آوری قانونی برخی تشریفات و عدم پویایی رویه قضایی در این خصوص سبب شده است که حقوق اقلیت، کمتر مورد توجه قرار گیرد و گاه تحت‌الشعاع سوءرفتارهای مدیران و سهامداران اکثریت باشد. بر این اساس، پیشنهاد می‌شود که در قانونگذاری آتی، با هدف جذب بیشتر سرمایه‌های خرد در شرکت‌های سهامی عام، به صورت مستقل، به حقوق سهامداران اقلیت توجه شود. امید است قانونگذار کشورمان در تدوین مقررات آتی مرتبط با حقوق سهامداران، با به کارگیری نتایج حقوق تطبیقی و با رویکرد بومی‌سازی، نسبت به حمایت از حقوق اقلیت گام‌های مؤثری بردارد.

در حقوق ایران و با توجه به شرایط کنونی، اقامه دعوی سهامداران به نام شرکت، صرفاً از مجرای ماده ۲۷۶ لایحه اصلاح قسمتی از قانون تجارت ممکن می‌باشد که از آن به «دعوی مشتق» یاد می‌شود، چراکه اقامه دعوی سهامداران به نام دیگری (شرکت سهامی) قاعده‌ای استثنایی است که بر قانون آیین دادرسی مدنی وارد شده و نیاز به مجوز دارد. بدین ترتیب که سهامدار اگرچه صاحب سهام می‌باشد، اما شخصیتی جدا از شرکت داشته و شرکت نیز دارایی متعلق به خود و جدا از سهامداران دارد، به همین دلیل با اجازه صریح قانونگذار این امر ممکن گردیده است. در غیر از ماده مذکور نیز اجازه صریح قانونگذار ضروری بوده و اصل بر عدم امکان اقامه چنین دعوایی است، مگر اینکه تصریح شده باشد.

در طرح دعوی مشتق، سهامداران، بالاجبار فقط امکان طرح دعوا علیه اعضای هیأت مدیره و یا مدیر عامل را دارند و در صورت طرح چنین دعوایی نمی‌توانند اشخاصی غیر از

۹. تضاد منافع

در این پژوهش هیچ‌گونه تضاد منافی وجود ندارد.

**References**

1. Chen W. A Comparative Study of Funding Shareholder Litigation. Singapore: Springer Publisher; 2017. p.1-3.
2. Taghipoor B, Sarmadi M, Abedini H. Minority Rights in Public Joint Stock Companies Based on the Corporate Governance System; A Comparative Study of Iranian and American Law. *Journal of Islamic Law*. 2019; 2(48): 369-396. [Persian]
3. Tafreshi M, Amirteymoori S, Nasiri M, Shahbazinia M. The Concept of Derivative Action and Its Exceptional Feature (A Comparative Study in English, American, French and Iranian Law). *IQBQ*. 2015; 18(4): 97-123. [Persian]
4. Partington M. Introduction to the English Legal System 2019-20. Oxford: Oxford University Press; 2019. p.16.
5. Cinelli L. Legal Positivism in a Global and Transnational Age. Dundee: Springer; 2019. p.90.
6. Lerman L, Schrag P, Gupta A. Ethical Problems in the Practice of Law. London: Wolters Kluwer Law & Business; 2021. p.1-5.
7. Calkoen W. Corporate Governance Review. New York: The Law Reviews; 2017. p.28-31.
8. Shams A. Civil Procedure. Tehran: Derak; 2012. Vol.1 p.281, 286, 324-325. [Persian]
9. Skini R. Business Law, Commercial Companies. Tehran: Samt Publications; 2012. Vol.2 p.14, 93, 175, 214-215. [Persian]
10. Pasban M. Law of Commercial Companies. Tehran: Samt Publications; 2010. p.34, 221. [Persian]
11. Zangeneh A. Business Law. Tehran: Al-Zahra University; 1967. p.121. [Persian]
12. Tehrani H. Business Law. Tehran: Publication of Justice; 1996. p.185, 193. [Persian]
13. Kanaani M. Minority Shareholder Rights in Joint Stock Companies. MA Dissertation. Tehran: Tarbiat Modares University; 1994. p.150. [Persian]
14. Boule L. International Economic Law and African Development. London: Siber ink; 2014. p.24-25.
15. Tahmasebi A. Reflections on litigation derived from the perspective of jurisprudence. *Two quarterly Journals of Civil Law Knowledge*. 2015; 2(4): 11-22. [Persian]
16. Kalimo H. EU Economic Law in a Time of Crisis. London: Edward Elgar; 2016. p.5-6.
17. Gantenbein P. Corporate Governance and the Market Value of Shareholder Voting Rights. Basel: University of Basel; 2016. p.11-17.
18. Pettet B. Pettet's company law. London: Pearson Education; 2009. p.299.
19. Fanto J. The Role of Corporate Law in French Corporate Governance. London: Springer 1989. p.61-63.